

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مومنون (جله اول)

جله خانوادگی - اسناد اخوت ۱۶/۱۰/۹۴

مومنین يك شبکه عظیمی هستند که از روزی که دنیا انسان به خود دیده، این شبکه بوجود آمده و هر دست‌آوردی که هر مومنی در هر زمانی بدست آورده برای ما همه مومنین هست. اگر کسی اینگونه فکر کند خیلی خوب است البته از طرفی هم بداند که هر چه که بدست می‌آورد تنها برای خودش نیست.

ان شالله لقاءمان برود به سمت لقاء مومنین اول و مومنین آخر و سیر مومنین را یکجا مشاهده کنیم **صلوات**

سوره مبارکه مومنون، اسمش به خاطر فاعلیتش است. در قرآن مومنان هم داریم. آنجا مفعولیت مطرح است. وصف ایمان گاهی به صورت صفت می‌آید که مومن و گاهی به صورت صله و موصول و گاهی به صورت خطاب و گاهی به صورت فعل می‌آید مثل یومنون و آمنوا که ۴ حالت کلی بحث دارد که اینجا به صورت صفت آمده است و هر جایی هم يك وضعی دارد مثلاً در الذین آمنوا مثل سوره عصر، مومنین را به صله و موصول تعریف می‌کند، علت بیان این‌ها این است که هر کدام يك درجاتی از ایمان را نشان می‌دهد.

وضعیت ایمان در قرآن به وسیله حالات کلمه قابل بحث است.

قاعده کلی وقتی که يك کلمه‌ای به صورت صفت می‌آید یعنی کاری به زمانش نداریم یعنی فعل و وضع کلی‌اش این است. در واقع این مومن به غایت و يك نقطه‌ای رسیده است و راجع به کسی حرف می‌زنیم که صفت در او تثبیت شده و امکان اینکه این صفت از او گرفته شود تقریباً محال است.

در ثواب قرائت سوره مومنین (اینجا اعراب را تغییر داده است و معصوم است و می‌تواند تغییر دهد چون صفت حساب می‌کند) هر کس قرائت سوره مومنین را هر جمعه بخواند خانه‌اش در بهشت است و با مرسلین و نبیین محشور می‌شود.

ثواب قرائت‌ها چند دسته است و خیلی هم با غرض سوره همخوانی دارد.

با توجه به ثواب قرائت، سوره ناظر به غایت و نهایت است و بحث فردوس و بودن با نبی را بیان می‌کند. الان همگی نیت می‌کنیم تا از حالا تا به آخر عمر سوره مومنین را بخوانیم. همین نیت می‌تواند کافی باشد. این اسمش رندی و زرنگی است. این سوره را می‌خوانم و گوش می‌کنم به این نیت که هر جمعه صبح آن را بخوانیم، قربه الله و این یعنی سوره را منسک کردن و منسک یعنی یک عبادتی را در یک ساخت مخصوصی انجام دادن. و این از راه‌هایی هست که آدم گمراه نمی‌شود بلکه خیر کثیر به آن می‌دهند.

روایت بعدی: هر کس سوره مومنین را بخواند وقتی که از دنیا برود، ملائکه به او بشارت می‌دهند و با روح و ریحان از او استقبال می‌کنند یعنی دارد راجع به یک غایت و سعادت می‌گوید.

روایت هست که وقتی امیرالمومنین (ع) دنیا آمد سوره را قرائت می‌کرد و از آن موردهایی هست که اگر اعتقاد داشته باشیم به آن، گمراه نمی‌شویم. اما در نقل این باید مراعات کرد زیرا این جور چیزها را با قاطعیت نمی‌توان گفت. نمی‌شود بر اساس متون تاریخی استناد داد ولی اگر باشد چقدر خوب است که امیرالمومنین (ع) قرآن نازل نشده، آن را می‌خوانده. البته از امیرالمومنینی (ع) که برای مادرش دیوار کعبه شکافته می‌شود و... این جزء تاریخ متواتر است و هرچقدر می‌خواهند آن را بپوشانند آن باز می‌شود، بعید نیست. به همین دلیل می‌گویند که سوره مومنون، سوره امیرالمومنین (ع) است و هرکس زمانی دلش هوای نجف و امیرالمومنین (ع) را کرد با سوره مومنین آن را اجابت کند.

### قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)

این آیه این گونه است که ما می‌گوییم بگوییم که بالاخره گل صفاتی که برای یک مومنی می‌شود مطرح کرد چیست؟ اولین را می‌برد روی صلوات و خشوع.

خشوع اون حالت تاثیر پذیری فرد است وقتی خودش را مقهور می‌بیند یعنی از حالت ظاهر به باطن رفته، احساس تزلزل درونش رفته است. این حالت حالتی درونی است که اینقدر تزلزل معلوم است که در ظاهر هم هویدا می‌شود و خشوع خضوع و خشیت فرق می‌کند.

## الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

وقتی خصوصیتی به عنوان غایت مطرح می‌شود به عنوان شاخص مطرح می‌شود. در واقع این شاخص گذاری است که ما روز به روز خشوع نمازمان بیشتر است یا نه و مهم است که این سیر خشوع بیشتر باشد. خشوع کمتر قابل توجیح نیست زیرا المان کمی و کیفی است یعنی درونش پارامتر گریه مهم است و ممکن است تو خشیت مهم نباشد. توش افتادگی، تاثر مهم است یعنی می‌توان حتی برایش زیر شاخص تعیین کرد که گفت اینها نشانه است و در واقع آن چیزی که می‌توان پیگیری کرد که هست یا نه و خیلی ارتباط با قساوت، لرزش قلب دارد اینکه وقتی می‌گوید الله اکبر حالت تکان بهش دست بدهد و خیلی ارتباط با بی تفاوت بودن دارد و خیلی ارتباط دارد با این که حال قبل نماز و بعد نمازش متفاوت باشد و این واضح باشد به طوری که ناظر بیرونی هم ببیند.

خشوع روی تاثر می‌رود اون حالت شکستگی و ....

هر کدام از اینها در یک موضعی از انسان اثر دارد که ممکن است ارزش گذاری را تکوین کند.

## وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

کاری که فایده نداشته باشد که این منوط به سن رشد می‌شود مثل اینکه برای یک بچه بازی کردن مثل زندگی اش است و اگر بازی نکند بیمار است و این را دیگر را لغو نمی‌گویند زیرا اقتضای سنش است. اقتضای سنی خیلی مهم است. خصوصیت لغو این است که حتما باید درونش نظام سنی رعایت شود بخاطر همین در حوزه آیه ۳ افراد باید به خودشان نگاه کنند مثلا یک موقعی پارک رفتن برای یک نفر ضرورت اولیه است و لغو حساب نمی‌شود ولی همان ممکن است برای یک نفر دیگر لغو حساب شود.

اگر کسی نتواند مرحله رشد و نیازهایش را تشخیص دهد به طور طبیعی عامل لغو را نمی‌تواند تشخیص دهد.

انسان وقتی سیستمش یک طرفه می‌شود حالش بد می‌شود آدم وقتی دریافت دارد باید داد و ستد بکند و اگر نکند حالش بد می‌شود و راهش این نیست که جلوی دریافت را بگیری، باید مسیر دادن را هم باز کنید.

ما خیلی گرفتار لغویات هستیم و خودمان هم خبر نداریم. درس خواندن ما با شب امتحان و با غیر شب امتحان خیلی فرق دارد مثل اینکه وقتی امتحان نداریم به آب می‌بندیمش، به این حالت، گپ‌هایی که انسان در برنامه اش هست

و فاصله او را با مقصد دور می کند لغو می گویند و راه علاجش هم این است که خود را در استرس زمانی قرار دهد و اگر مدت آن کمتر شد یعنی لغو دارد.

کسی که در سیستمش لغو است عزمش ضعیف است و اینها آدم‌های مولدی نمی‌شوند بلکه مصرف‌گرا می‌شوند. مومن مولد است، مولد کار، سرمایه و مولد آن چیزهایی که نیاز خوددش و دیگران را تامین می‌کند.

آیه ۴: زکات یعنی دارایی، یعنی آدمی که از لغو اعراض می‌کند به طور طبیعی دارای دارایی می‌شود، شاخصه اعراض از لغو دارایی داشتن است که این ممکن است فضل‌های مختلف باشد آنهایی که توانمندی به آن می‌گویند. ما باید سال به سال استحقاق زکات بیشتری داشته باشیم.

در زندگی کارهای مختلف با فایده‌های متفاوت وجود دارد، فایده کمتر نسبت به فایده بیشتر، لغو حساب می‌شود. در حوزه زناشویی قاعده کلی: بسیاری از لغویاتی که برای طرف مقابل هست، به دلیل قاعده بالاتر دیگر لغو نیست زیرا اصل زندگی درک طرف مقابل و جانفشانی کردن برای او و خادم طرف مقابل بودن است. اصل در ازدواج گذشتن از یک چیز به نام من نفسانی است.

خدا برای اینکه یک نفر عالم، ظاهر بشود و معنویت داشته باشد، گذشتن از خود سریع‌ترین راه برای دریافت علم، معنویت است. زیرا گذشتن از من یعنی پیوستن به حق و او مجرای فیض الهی می‌شود.

اگر ما قائل به رشد باشیم، باید قائل به این باشیم که یک سری کارها یک زمانی برای ما لغو حساب نمی‌شود ولی در یک زمان دیگری لغو حساب می‌شود. ثابت بودن این موضوع خطرناک است. یعنی اگر یک نفر امسالش با سال قبلش مصداق لغوش یکی بوده است این بد است و اغلب بدتر هستند و این طبیعت دنیا است اگر کسی اهل رشد نباشد، سن نیازی انسان نسبت به سال قبل کمتر می‌شود و هرکس باید این را برای خود حساب کند و به دیگران کار نداشته باشد زیرا نگاه کردن به دیگران در این زمینه انسان را به طور طبیعی به خطا می‌اندازد و خودش خیلی وقتها مصادیق لغو است. یعنی از ۷ سال چهارم نیاز از خود گذشتگی در او شکوفا نشود این برمی‌گردد به سنین کودکی و به طور طبیعی پر توقع می‌شود.

هرکسی باید برای خودش معیارهایی جهت لغوشناسی داشته باشد و خودش را ارزش یابی کند.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات